



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان

مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند

زهرا صفری^۱، زینب صفری^۲، فاطمه صفری^۳

۱- کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه بین المللی پیام نور عسلویه

۲- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور فراشبند

۳- کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه پیام نور بوشهر

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند پرداخته است. طرح تحقیق حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان ابتدایی شهرستان فراشبند می باشد. برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده و تعداد ۳۵۱ نفر بعنوان نمونه آماری انتخاب شد. شیوه نمونه گیری در این پژوهش به صورت طبقه ای تصادفی بود. از پرسشنامه سبک فرزند پروری والدین، پرسشنامه بهزیستی روان شناختی نسخه ی کوتاه برای جمع آوری داده ها استفاده شد. برای تحلیل داده های از آزمون رگرسیون تک متغیره و چند متغیره و نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد که سبک فرزند پروری سهل گیرانه رابطه معناداری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان ندارد. از سوی دیگر مشخص گردید که سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه منفی و معناداری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دارد. سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت و معناداری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دارد.

کلمات کلیدی: شیوه های فرزند پروری، بهزیستی روانشناختی

مقدمه

خانواده یکی از نهاد های مهم و اولیه در جوامع است که به رغم تغییر و تحولات اساسی دراهداف و کارکرد ها هم چنان پا برجا و استوار باقی مانده است و اهمیت اساسی خود را حفظ کرده است. فرزندان را در آینده منعکس کننده ی رفتار والدین می دانند. تحقیقات نشان داده است که تعامل بین فرزندان و والدین و چگونگی برقراری ارتباط والدین با فرزندان مهم ترین و اساسی ترین عوامل در بین عوامل مختلفی است که بر پرورش و شخصیت سالم کودکان تاثیر می گذارد. فرزند پروری به عنوان فعالیتی پیچیده، شامل روش ها و رفتار های ویژه ای است که به طور مجزا در تعامل با یکدیگر بر رشد فرزندان تاثیر می گذارد (طافی، ۱۴۰۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بیان مساله

بشر امروزی با وجود انواع پیشرفت‌ها، به علت انحرافات اخلاقی و تربیتی، گرفتار بحران و نابسامانی‌هایی فراوان شده است که حاکی از به‌کار نگرفتن نظام تعلیم و تربیت صحیح است. انسان استعداد رسیدن به قرب الهی را دارد و این امر با تربیت حقیقی امکان‌پذیر است. «خانواده» از عوامل مهم و بسیار مؤثر در تربیت انسان است که هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ کیفیت تأثیر، مهم‌ترین محیط برای شکوفایی استعدادهای مختلف فرزند است. هر خانواده شیوه‌های خاص را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند، متأثر از عوامل گوناگون مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲). شیوه‌های فرزندپروری والدین، عنصری اساسی برای رشد و تربیت فرزندان در تمام ابعاد وجودی آنان است. در علم روان‌شناسی، فرزندپروری به شیوه غالب بر تربیت فرزند از سوی والدین تأکید می‌کند که متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (عادل پور، ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین مدل‌هایی که بهزیستی روانشناختی را مفهوم‌سازی و عملیاتی کرده، مدل چند بعدی ریف و همکاران است (احدی و همکاران، ۲۰۱۲). ریف بهزیستی روانشناختی را تلاش فرد برای تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی خود می‌داند. این مدل از طریق ادغام نظریه‌های مختلف رشد فردی (مانند نظریه‌ی خود شکوفایی رشد مزلو و شخص کامل راجرز) و عملکرد سازگارانه (مانند نظریه‌ی سلامت روانی مثبت جاهودا) شکل گرفته و گسترش یافته است (اشکانی و حیدری، ۱۳۹۳). بر اساس الگوی ریف بهزیستی روانشناختی از ۶ بعد تشکیل می‌شود. پذیرش خود^۱ (داشتن نگرش مثبت به خود)، رابطه مثبت با دیگران^۲ (برقراری روابط گرم و صمیمی با دیگران و توانایی همدلی)، خودمختاری^۳ (احساس استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل فشارهای اجتماعی)، زندگی هدفمند^۴ (داشتن هدف در زندگی و معنا دادن به آن)، رشد شخصی^۵ (احساس رشد مستمر) و تسلط بر محیط^۶ (توانایی فرد در مدیریت محیط). الگوی ریف به طور گسترده‌ای در جهان مورد توجه قرار گرفته است و از آنجایی که الگوی ریف گزارش کاملی از عملکرد مثبت داده است، بعید به نظر می‌رسد که در بازتاب جنبه‌های مهم بهزیستی روانشناختی نوجوانان ناکام باشد (تریودل^۷ و همکاران، ۲۰۱۹).

اهمیت و ضرورت تحقیق

خانواده از نهادهای مهم و بنیادی جامعه است که نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد. اهمیت خانواده در حکم نهادی اجتماعی، امری غیر قابل تردید است. اگر چه فرزند از جامعه و همسالان تأثیر می‌گیرد، ولی بیشتر تحت تأثیر خانواده است. تأثیر خانواده در کودک و نقش‌های مهم آن در جنبه‌های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و غیره بسیار مهم و عظیم است. خانواده

^۱-self-acceptance

^۲-positive-relation-with-others

^۳-autonomy

^۴-purpose-life

^۵-personal-growth

^۶-environmental-mastery

^۷-Trudel



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط را فراهم می کند. دوران کودکی از مهم ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه ریزی شده و شکل می گیرد. از این رو با توجه به اهمیت خانواده و همچنین دوران کودکی، پرداختن به تحقیقات علمی در زمینه خانواده و مراحل کودکی افراد از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

تاثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می شود و در سراسر زندگی باقی می ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل مؤثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می دهد که در میان عوامل گوناگونی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند، تاثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهمترین و بنیادی ترین عوامل محسوب می شود (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲). هر کدام از این شیوه های خاص فرزندپروری والدین، می تواند در شکل گیری شخصیت و هویت کودک نقش اساسی داشته باشد. از این رو بررسی روابط الگوهای فرزندپروری والدین با ویژگی های روانشناختی فرزندان از جمله بهزیستی روانشناختی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

و در نهایت باید بیان کرد که با توجه به اینکه تا کنون در خصوص بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند تحقیقی در داخل کشور صورت نگرفته است از این رو اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در این حوزه، جنبه های مجهول روابط بین این متغیرها شناسایی و نتایج آن جهت تدوین سیاست گذاری های مناسب در اختیار کارشناسان و برنامه ریزان حوزه تعلیم و تربیت قرار گیرد.

اهداف

هدف اصلی

بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند

اهداف فرعی

۱. شناخت و تبیین رابطه سبک فرزندپروری با ابعاد بهزیستی روانشناختی (استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود) دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فرضیه ها

فرضیه اصلی

شیوه های فرزندپروری والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند رابطه معناداری دارد.

۱-۵-۲ فرضیه های فرعی

۱. بین سبک فرزندپروری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سبک فرزندپروری با ابعاد بهزیستی روانشناختی (استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود) دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.
قلمرو پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند در زمره تحقیقات روانشناسی تربیتی و در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در مدارس ابتدایی شهرستان فراشبند اجرا می گردد.

تعریف متغیرها

شیوه های فرزندپروری والدین

اصطلاح فرزندپروری از ریشه پریو^۱ به معنی "زندگی بخش" گرفته شده است. منظور از شیوه های فرزند پروری، روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است که آن ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه های اقتصادی تغییر می کند (ماش و بارکلی^۲، ۲۰۱۲).

در این پایان نامه، شیوه های فرزند پروری به وسیله نمره پاسخگویان به پرسشنامه سبک فرزند پروری والدین بامریند (۱۹۹۱) بدست آمد.

^۱ pario

^۲ Mash & Barkley



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بهبهزیستی روانشناختی

ریف بهبهزیستی روانشناختی را تلاش فرد برای تحقق توانایی عای بالقوه واقعی خود می‌داند. این مدل از طریق ادغام نظریه‌های مختلف رشد فردی (مانند نظریه‌ی خود شکوفایی رشد مزلو و شخص کامل راجرز) و عملکرد سازگارانه (مانند نظریه‌ی سلامت روانی مثبت جاهودا) شکل گرفته و گسترش یافته است. بر اساس الگوی ریف بهبهزیستی روانشناختی از ۶ بعد تشکیل می‌شود. پذیرش خود^۱ (داشتن نگرش مثبت به خود)، رابطه مثبت با دیگران^۲ (برقراری روابط گرم و صمیمی با دیگران و توانایی همدلی)، خودمختاری^۳ (احساس استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل فشارهای اجتماعی)، زندگی هدفمند^۴ (داشتن هدف در زندگی و معنا دادن به آن)، رشد شخصی^۵ (احساس رشد مستمر) و تسلط بر محیط^۶ (توانایی فرد در مدیریت محیط). الگوی ریف به طور گسترده‌ای در جهان مورد توجه قرار گرفته است و از آنجایی که الگوی ریف گزارش کاملی از عملکرد مثبت داده است، بعید به نظر می‌رسد که در بازتاب جنبه‌های مهم بهبهزیستی روانشناختی نوجوانان ناکام باشد (تریودل^۷ و همکاران، ۲۰۱۹).

تعاریف بهبهزیستی روانشناختی

سازه بهبهزیستی دارای دو بعد است، یکی از آن مولفه هیجانی و دیگری ذهنی هست. در رابطه با این موضوع می‌توان افراد را به دو دسته تقسیم کرد. یکی افرادی که دارای بهبهزیستی بالایی هستند و دسته دیگر افرادی که از بهبهزیستی پایینی برخوردار هستند. بالتبع افراد دارای بهبهزیستی بالا عاطفه‌ها و هیجان‌های مثبت را از حوادث زندگی دریافت می‌کنند و اتفاقات پیرامون خود را مثبت ارزیابی کرده و بالعکس افرادی که احساس بهبهزیستی پایینی دارند اتفاقات زندگی خود را منفی پردازش می‌کنند و مدام در گیر ارزیابی منفی از خود و اتفاقات پیرامون خود هستند. این افراد بیشتر هیجاناتی از جمله، اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند (چو و لیم^۸، ۲۰۱۶).

بهبهزیستی روان‌شناختی شامل ارزش‌های شناختی افراد از زندگی می‌شود. آن‌ها شرایط خود را که به انتظارات، ارزش‌ها و تجارب قبلی‌شان وابسته است ارزش‌گذاری می‌کنند. براساس الگوی ریف، بهبهزیستی روان‌شناختی از شش عامل پذیرش خود (داشتن نگرش مثبت نسبت خود)، رابطه مثبت با دیگران (برقراری روابط گرم و صمیمی با دیگران و توانایی همدلی)، خودمختاری (احساس استقلال و توانایی ایستادگی در مقابل فشارهای اجتماعی)، زندگی هدفمند (داشتن هدف در زندگی و معنا دادن به آن)،

^۱-self-acceptance

^۲-positive-relation-with-others

^۳-autonomy

^۴-purpose-life

^۵-personal-growth

^۶-environmental-mastery

^۷-Trudel

^۸ Choi, S.C. & Lim



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رشد شخصی (احساس رشد مستمر) و تسلط بر محیط (توانایی فرد در مدیریت محیط) تشکیل می‌شود (هنرمندزاده و سجادیان، ۱۳۹۵).

جستجوی سازه بهزیستی روان شناختی جدید نیست، بلکه از زمان یونان باستان به این سازه، اهمیت داده اند. اگر چه دریافت و ادراک عوامل تاثیر گذار بر این سازه سخت است (ورم^۱، ۲۰۱۲)، اما با ظهور عصر جدید و به علاوه وجود نقش های متفاوت در زندگی برای افراد، افزایش نگرانی و اضطراب در زندگی، نیاز به شناخت و اهمیت بهزیستی روان شناختی در زندگی افزایش یافت. به طور کلی می توان گفت در عصر مدرنیته روان شناسان به اهمیت روان شناسی مثبت نگر (بهزیستی روان شناختی در حوزه بهزیستی مثبت نگر قرار می گیرد) در زندگی بیشتر پی برده اند و اهمیت آن را بیشتر درک کرده اند. به علاوه هدف از ظهور روان شناسی مثبت نگر تبلور یک تغییر در روان شناسی و بهینه کردن کیفیت زندگی است که در راستای آن بررسی عوامل تاثیر گذار بر بهزیستی روان شناختی مورد توجه خاص قرار گرفته است (فردمن، کار، کورنمن و لیکاس^۲، ۲۰۱۷).

بهزیستی روانشناختی، مشروط به درک چالش های موجود در زندگی می باشد. شاخه بهزیستی روانشناختی، میزان مقاومت و یا سازگاری در برابر مشکلات یا چالش های پیش روی انسان در زندگی را نشان می دهد و همواره بر پیشرفت فرد، تاکید می کند. به عنوان مثال، دنبال کردن اهداف، سیر تکامل و پیشرفت به عنوان یک انسان و روابط اجتماعی با دیگران برقرار کردن. جمع کشوری از تحقیقات در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، به بررسی و موشکافی و تحلیل چالش ها و مشکلات پیش روی انسان در زندگی پرداخته است (ریف^۳ و کیس^۴، ۲۰۰۸: به نقل از وحیدی و جعفری، ۱۳۹۶).

نظریه پردازان "گستره زندگی"^۵، نظیر اریکسون^۶، (۱۹۵۹) و نوگارتن^۷، (۱۹۷۳)، مقتضیات رده های متفاوت سنی و روش هایی را که افراد به گونه ای صحیح، می توانند بر آن ها غالب شوند را شرح داده اند. روانشناسان علاقه مند به حوزه ی رشد و پیشرفت و تکامل بشر، مقیاس هایی از قبیل خودشکوفایی، کمال رشد و تفرد را ارائه داده اند و پیشنهاد می کنند. داشتن احساس بهزیستی روانشناختی هم، دارای عوامل عاطفی و هم عوامل شناختی است. افرادی که احساس بهزیستی پایینی دارند، مشکلات و اتفاقات و موقعیت زندگی خود را نامطلوب تلقی می کنند و اغلب موارد، هیجانات منفی همانند اضطراب، افسردگی و خشم را حس می کنند (مایرز^۸ و دینر^۹، ۲۰۱۴).

^۱ Verme

^۲ Freedman, VA., Carr, D., Cornman, J.C., Lucas

^۳ - Ryff

^۴ - Keyes

^۵ - Life-span

^۶ - Ericson

^۷ - Neugarten

^۸ - Myeris

^۹ - Diener



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بهزیستی روانشناختی شامل احساس مثبت و رضایت کلی از زندگی است که دربرگیرنده خود و دیگران در زمینه‌های مختلف است. بهزیستی روانشناختی، یکی از مفاهیم چندبعدی است که بر سلامت جسمی و روانی و ارتقای کیفیت زندگی افراد مؤثر بوده و به معنای شادکامی ذهنی و تاب‌آوری در برابر تجارب ناخوشایند است (امانی، احمدی و حمیدی، ۱۳۹۷).

در تحلیل مفهوم بهزیستی روانشناختی نظریه پردازان به دو مولفه هیجانی و ذهنی اشاره می‌کنند که به میزان هیجان‌نا مثبت و منفی در زندگی اشاره می‌کند احساس رضایتمندی از زندگی به این معنا هست که فرد در برآوردن نیازهای اساسی زندگی خود چقدر موفق است. از سوی دیگر هیجان‌نا هم در این راه نقش اساسی دارند، به عنوان مثال هیجان‌نا منفی نشان می‌دهد که فرد خود را برای مقابله با خطر آماده کند و هیجان‌نا مثبت به فرد این بشارت را می‌دهد که پاداشی در راه است. و این سیستم که عناصر ذهنی و هیجانی آن با هم فعالیت می‌کنند انسان را به سمت امید به زندگی و احساس بهزیستی بالاتر می‌کشاند (کریستوفرسن^۱، ۲۰۱۸).

بهزیستی روانشناختی از جمله سازه‌های مطالعه‌شده در روانشناسی مثبت‌گرا است که امروزه دیدگاهی جدید در حوزه سلامت، به‌ویژه روانشناسی سلامت محسوب می‌شود. دامنه مطالعات این سازه از زندگی فردی به تعاملات اجتماعی کشیده شده است (حسنی، شهودی و میرقاسمی، ۱۳۹۵). بهزیستی روانشناختی یک مفهوم چند مؤلفه‌ای و شامل خودمختاری، روابط مثبت با دیگران، پذیرش خود، تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و رشد فردی است (به نقل از امینی، شهنی و حاجی یخچالی، ۱۳۹۹).

اهمیت بهزیستی روانشناختی

ارتقای سلامتی افراد جامعه یکی از مهمترین مسائل اساسی هر کشور، ارتقای سلامتی افراد آن جامعه است که باید از ابعاد مختلف از جمله روانی مورد توجه قرار گیرد. وظیفه اصلی بهداشت روانی تأمین سلامت فکر و روان افراد جامعه است. اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان در چند دهه اخیر به صورت فزاینده‌ای مورد توجه روانکاوان، روانشناسان و متخصصان بهداشت جسم و روان قرار گرفته است. پیچیدگی جامعه مدرن امروزی و مشکلات روزافزون زندگی ماشینی و تغییر شیوه‌ها و الگوهای زندگی در عصر فرامدرن، موجب شده است که نیازهای معنوی انسان در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی او قد علم کند و اهمیت بیشتری بیابد. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که مردم دنیا حتی در کشورهای پیشرفته، امروز بیش از گذشته به ارزش‌های معنوی گرایش دارند. متخصصان نیز به طور جدی دریافته‌اند که شیوه‌های موجود درمانی برای بهبود اختلالات عاطفی، روانی و حتی جسمانی افراد کافی نیست. همچنین، معنای زندگی از مسائلی است که امروزه به صورت جدی برای متفکران و اندیشمندان فلسفی مطرح است (امام قلی زاده، ۱۳۹۵).

یکی از آثار بهزیستی بر زندگی طبق گفته محققان شفقت به خود بوده که با بهزیستی روانشناختی ارتباط دارد و می‌تواند یک عامل حفاظت‌کننده و پرورش‌دهنده انعطاف‌پذیری عاطفی باشد. به عبارت دیگر از دیگر اثرهای بهزیستی بر زندگی انسان‌ها،

^۱ Kristoffersen



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ویژگی‌های شخصیتی مختلف از جمله شفقت به خود می‌توانند بهزیستی و سلامت روان شان را در خانواده و جامعه حفظ کنند (شفیعی و جزایری، ۱۳۹۵).

تحقیقات مرتبط داخلی

علیمردانی و رحمانی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای روانی-اجتماعی نوجوانان پرداختند. یافته‌ها نشان داد که شیوه‌های تربیتی والدین اثرات مثبت و منفی مهمی را در رفتارهای روانشناختی و اجتماعی فرزندان دارد. در نتیجه والدین می‌توانند با افزایش آگاهی‌های تربیتی خود در حفظ و افزایش سلامت روان فرزندان و رفتارهای روانشناختی و اجتماعی آنها نقش سازنده داشته باشند.

خوشنویس و دژاکام (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه جهت‌گیری دینی درونی والدین با مؤلفه‌های عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان، مثبت و معنادار است. همچنین جهت‌گیری دینی بیرونی والدین در پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان معنادار نبود. در سبک فرزندپروری والدین؛ سبک مقتدرانه، مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان را مثبت و سبک فرزندپروری مستبدانه؛ مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان را منفی پیش‌بینی می‌کند. اما سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه هیچ‌یک از مؤلفه‌های بهزیستی فرزندان را به صورت معنادار پیش‌بینی نکرد.

حمیدی و انصاری (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت‌رویی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان نشان دادند، که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با بهزیستی و سرسختی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه به طور مثبتی بهزیستی و سخت‌رویی را پیش‌بینی می‌کند.

تقی زاده، الهام و بشارت (۱۳۹۴) به بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری ادراک شده والدین با بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی فرزندان پرداختند، تعداد ۴۸۴ دانش‌آموز دختر به تصادف از میان ۲۷۳۳ دانش‌آموز مشغول به عنوان نمونه به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک مقتدرانه پدر، مقتدرانه مادر و سهل‌گیرانه مادر به طور منفی پیش‌بینی‌کننده‌های درماندگی روان‌شناختی فرزندان بودند. در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت فرزند پروری مقتدرانه با کنترل منطقی به حمایت عاطفی، پاسخ‌دهی بالا اثرات مطلوبی بر سلامت روان و قابلیت‌های نوجوان داشته و موجب ایجاد احساس رشد و بالندگی و نوجوان می‌شود و فرزند پروری آمرانه با کنترل زیاد و پاسخ‌بینی پایین و فرزند پروری سهل‌گیرانه با حمایت عاطفی، تا سفته بالا و کنترل کم با پیامدهای ضعیف‌تر در فرزندان رابطه دارد.

تحقیقات مرتبط خارجی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اسیتیپان^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی نقش مضر تربیت تنبیهی در بهزیستی روانشناختی کودکان دارای ناتوانی یادگیری: یک مطالعه طولی پرداختند نتایج این تحقیق نشان داد که تربیت تنبیهی تاثیر منفی بر بهزیستی روانشناختی کودکان دارد.

آنسیو^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بهزیستی روانشناختی و سبک فرزندپروری درک شده در نوجوانان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین بهزیستی روانشناختی و سبک فرزندپروری درک شده در نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

یوجی^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه ای به بررسی تأثیر شیوه های معتبر، اقتدارگرایانه و مجاز والدین بر بهزیستی روانشناختی کودکان در ژاپن: تمرکز بر جنسیت والدین و فرزندان پرداخت، نتایج نشان داد بین شیوه های فرزندپروری و بهزیستی روانشناختی رابطه معنی داری وجود دارد که در دختران این ارتباط قوی تر بوده است.

لاوسان^۴ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک های فرزندپروری ادراک شده، حمایت اجتماعی با بهزیستی روانشناختی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که سبک های فرزندپروری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان رابطه معناداری دارد.

روش

طرح تحقیق حاضر از نوع همبستگی^۵ است. تحقیق همبستگی یکی از انواع روش تحقیق است که در آن پژوهشگر می کوشد تا نوع رابطه میان یک چند متغیر را شناسایی یا درک نماید.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش آموزان ابتدایی شهرستان فراسبند می باشد. این شهرستان دارای ۴۰ مدرسه ابتدایی می باشد که ۳۶ مدرسه دولتی و ۴ مدرسه غیردولتی می باشد. تعداد دانش آموزان در این مدارس ۴۰۹۵ می باشد که ۲۰۴۱ نفر دانش آموز دختر و ۲۰۵۴ نفر دانش آموز پسر در این مدارس مشغول به تحصیل می باشند.

حجم نمونه

^۱ - Sittipan

^۲ - Ansu

^۳ - Uji

^۴ - Lavasan

^۵ correlational study



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده و ۳۵۱ نفر بعنوان نمونه انتخاب شد.

شیوه نمونه گیری

شیوه نمونه گیری در این پژوهش به صورت طبقه ای تصادفی بود. شیوه نمونه گیری به این صورت بوده است که ابتدا لیستی از مدارس ابتدایی شهرستان فراشبند (طبقه اول) تهیه شد. سپس از بین مدارس دخترانه و پسرانه هر کدام ۵ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله بعد از بین مدارس انتخابی پایه های تحصیلی متفاوتی (طبقه دوم) به صورت تصادفی انتخاب و در نهایت پرسشنامه پژوهش بین دانش آموزان جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع شد.

پرسشنامه های پژوهش

۱- پرسشنامه سبک فرزند پروری والدین بامریند

این ابزار جهت بررسی شیوه های فرزندپروری ساخته شده است و بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از الگوی رفتاری سهل گیر، مستبد و قاطع (اطمینان بخش) اقتباس شده است که این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش به امر پرورش فرزند مربوط می شود. در این پرسشنامه، والدین نظر خود را بر حسب مقیاس ۵ درجه ای لیکرتی (کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، تقریباً مخالفم=۳، موافقم=۴، کاملاً موافقم=۵) مشخص می کنند.

بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد. شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/07$). بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش باز آزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد. $0/81$ برای شیوه سهل گیرانه، $0/86$ برای شیوه استبدادی، $0/78$ برای شیوه اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه نمود که $0/75$ برای شیوه سهل گیری $0/85$ برای شیوه استبدادی و $0/82$ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرفروز، ۱۳۷۸).

این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴)، و بینم (۱۳۷۹)، مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی باز آزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری $0/69$ ، برای استبدادی $0/77$ و اقتدار منطقی $0/73$ گزارش کرده است. میزان پایایی این پرسشنامه به روش باز آزمایی $0/81$ برای آزادگذاری $0/85$ برای استبدادی و $0/92$ اقتدار منطقی پدران گزارش شده است (بوری، ۱۹۹۱)، هم چنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری ($0/50$)، و اقتدار منطقی ($0/52$)، او دارد. میزان پایایی این ابزار به روش آلفا کرونباخ، در این پژوهش $0/69$ برای آزادگذاری $0/73$ ، برای استبدادی $0/83$ ، برای شیوه ی مقتدرانه $0/90$ به دست آمده است و این آزمون از همسانی درونی خوبی برخوردار بود.

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزندپروری بامریند که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دینا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جمله های شماره ۲۸، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۱ به شیوه ی سهل گیرانه و جمله های شماره های ۲۶، ۲۵، ۱، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲۹ به شیوه ی استبدادی و جمله های ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۴، ۵ به شیوه ی قاطع و اطمینان بخش مربوط می باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تاحدودی موافقم، تاحدودی مخالفم، کاملاً مخالفم) (به ترتیب از ۴ تا ۰ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می آید.

۲- پرسشنامه بهزیستی روان شناختی نسخه ی کوتاه (۱۸ سوالی)

مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف، توسط ریف در سال (۱۹۸۹) طراحی و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این نسخه، مشتمل بر ۶ عامل است. سوال های ۹، ۱۲ و ۱۸، عامل استقلال؛ سوال های ۱، ۴ و ۶، عامل تسلط بر محیط؛ سوال های ۷، ۱۵ و ۱۷، عامل رشد شخصی؛ سوال های ۳، ۱۱ و ۱۳، عامل ارتباط مثبت با دیگران؛ سوالهای ۵، ۱۴ و ۱۶، عامل هدفمندی در زندگی و سوال های ۲، ۸ و ۱۰، عامل پذیرش خود را میسنجد. مجموع نمرات این ۶ عامل به عنوان نمره ی کلی بهزیستی روانشناختی محاسبه می شود.

این آزمون نوعی ابزار خودسنجی است که در یک پیوستار ۵ درجه ای از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" (یک تا ۵) پاسخ داده میشود که نمره ی بالاتر، نشاندهنده ی بهزیستی روانشناختی بهتر است.

از بین کل سوالات، ۱۰ سوال به صورت مستقیم و ۸ سوال به شکل معکوس نمره گذاری میشود (از سفیدی و فرزاد، ۲۰۱۲) همبستگی نسخه ی کوتاه مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف با مقیاس اصلی از ۰/۷ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده است (ریف و سینگر، ۲۰۰۶).

روایی و پایایی این مقیاس در پژوهش های متعددی مناسب گزارش شده اند. دایرندوک^۱ (۲۰۰۵)، همسانی درونی خرده مقیاس های مزبور را مناسب و الفای کرونباخ^۲ آنها را بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ ارزیابی نموده است. همچنین اشمیت و ریف^۳ (۱۹۹۷)، همسانی دورنی مقیاس های این پرسشنامه را بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۰ گزارش کرده اند. ریف و کیس (۱۹۹۵) پرسشنامه بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۸۹) را بر روی یک گروه ۱۱۰۸ نفری از افراد ۲۵ ساله و بالاتر از اجرا کردند. تحلیل عوامل این پرسشنامه شش بعدی را مورد تأیید و حمایت قرار داد ضرایب قابلیت اعتماد پرسشنامه بهزیستی روان شناختی در این تحقیق از دو روش آلفای کرونباخ نیز ضریب همسانی درونی ۰/۹۱ محاسبه شد. ضریب همسانی درونی پرسشنامه در این پژوهش به تفکیک خرده مقیاس ها نیز محاسبه شد که به شرح زیر است: استقلال (۰/۷۵)، تسلط بر محیط (۰/۷۵)، رشد شخصی (۰/۶۱)، ارتباط مثبت با دیگران (۰/۷۱)، هدفمندی در زندگی (۰/۷۲) و پذیرش خود (۰/۷۸) می باشد (یحیی زاده، ۱۳۸۴). ضریب قابلیت اعتماد بدست آمده در پژوهش زنجانی طبسی (۱۳۸۳) با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل آزمون بهزیستی روان شناختی برابر ۰/۹۴ و برای آزمون های فرعی بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ بوده است. ضریب همبستگی بدست آمده بر اساس روش بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۷۶ در آزمون های فرعی بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۳ بوده که در سطح $p=0/01$ معنی دار است. روایی سازه بدست آمده بر اساس روش همبستگی بین کل آزمون و خرده آزمون های آن برای رضایت از زندگی ۰/۵۱، برای شادی ۰/۶۶، معنویت ۰/۶۳، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۴۸، رشد و بالندگی فردی ۰/۵۹

^۱-Dierendonck

^۲-Cronbach alpha-method

^۳-Schmitte & Ryff



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و برای خرده آزمون خود پیروی ۴۶٪ است که همگی برای $p=0/01$ معنی دار می باشد. شیوه نمره گذاری در این مقیاس طبق مقیاس لیگرت ۱ تا ۵ است.

پرسش های این مقیاس با گزینه های ((بله)) ((خیر)) و ((نمی دانم)) پاسخ داده می شوند. آزمودنی در برابر هر پرسش که شیوه واکنش وی را در برابر مسائل و موقعیت های خاص بیان می کند، موافقت یا مخالفت خود را نشان می دهد و اگر بین آن دو مردد بود می تواند گزینه نمی دانم را برگزیند. در نمره گذاری این آزمون برای گزینه بله نمره یک گزینه خیر نمره صفر و گزینه نمی دانم نیز نمره صفر تعلق می گیرد. این پرسشنامه دارای ۲۴ عبارت می باشد که چهار عبارت آن راهبرد درماندگی (عبارت های شماره ۱ تا ۴)، چهار عبارت آن راهبرد مهارگری (عبارت های شماره ۵ تا ۸)، چهار عبارت آن راهبرد خلاقیت (عبارت های شماره ۹ تا ۱۲)، و چهار عبارت آن راهبرد اعتماد (عبارت های شماره ۱۳ تا ۱۶)، چهار عبارت دیگر آن راهبرد اجتناب (عبارت های شماره ۱۷ تا ۲۰) و در نهایت چهار عبارت باقیمانده راهبرد گرایش (عبارت های شماره ۲۱ تا ۲۴) را مشخص می کند.

تحلیل داده ها

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آماره استفاده می گردد:
آماره توصیفی: این آماره شامل میانگین، میانه، انحراف معیار و... متغیرهای پژوهش می باشد.
آماره استنباطی: این آماره شامل آزمون های نرمال بودن داده ها و آموزه های آماری رگرسیونی جهت آزمون فرضیه های تحقیق می باشد.
برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد. میزان خطای نوع اول (α) برای آزمون دو دامنه ۰/۰۵ در نظر گرفته می شود.

نتیجه گیری

ارزیابی نتایج رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با بهزیستی روانشناختی

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها در خصوص فرضیه اول این پژوهش مبنی بر رابطه شیوه های فرزندپروری (سهل گیرانه، مستبدانه ، مقتدرانه) با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند نشان داد که، سبک فرزند پروری سهل گیرانه با ضریب بتای (Beta) ۰/۰۲۲- و سطح معناداری ۰/۲۵۸ رابطه معناداری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند ندارد. از سوی دیگر مشخص گردید که سبک فرزندپروری مستبدانه با ضریب بتای (Beta) ۰/۲۷۹- و سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه منفی و معناداری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد. و در نهایت نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با ضریب بتای (Beta) ۰/۶۸۹ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه مثبت و معناداری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد. با توجه به این نتایج، می توان بیان کرد که فرضیه اول این تحقیق مورد تأیید قرار می گیرد. این یافته ها نیز بیانگر این می باشد که با افزایش سبک فرزندپروری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مستبدانه در خانواده ها، بهزیستی روانشناختی دانش آموزان کاهش خواهد یافت. همچنین با افزایش اعمال سبک فرزندپروری مقتدرانه در خانواده ها، بهزیستی روانشناختی دانش آموزان افزایش خواهد یافت. با توجه به این نتایج، می توان بیان کرد که فرضیه اول این تحقیق مورد تأیید قرار می گیرد.

در خصوص رابطه سبک های فرزند پروری با استقلال دانش آموزان، یافته های پژوهش نشان داد، که سبک فرزند پروری سهل گیرانه با سطح معناداری ۰/۰۳۲ رابطه معناداری با استقلال دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند ندارد سبک فرزندپروری مستبدانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه منفی و معناداری با استقلال دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد. و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه مثبت و معناداری با استقلال دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد.

در خصوص رابطه سبک های فرزند پروری با تسلط بر محیط دانش آموزان، یافته های پژوهش نشان داد، که سبک فرزند پروری سهل گیرانه با سطح معناداری ۰/۸۷۰ رابطه معناداری با تسلط بر محیط دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند ندارد سبک فرزندپروری مستبدانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه منفی و معناداری با تسلط بر محیط دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد. و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه مثبت و معناداری با تسلط بر محیط دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد.

در خصوص رابطه سبک های فرزند پروری با ارتباط مثبت با دیگران ، یافته های پژوهش نشان داد، که سبک فرزند پروری سهل گیرانه با سطح معناداری ۰/۰۰۱ رابطه معناداری و منفی با ارتباط مثبت با دیگران دارد. سبک فرزندپروری مستبدانه با سطح معناداری ۰/۶۴۴ رابطه معناداری با ارتباط مثبت با دیگران ندارد. و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه مثبت و معناداری با ارتباط مثبت با دیگران دارد.

در خصوص رابطه سبک های فرزند پروری با پذیرش خود در دانش آموزان، یافته های پژوهش نشان داد، که سبک فرزند پروری سهل گیرانه با و سطح معناداری ۰/۶۴۴ رابطه معناداری با پذیرش خود در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند ندارد. سبک فرزندپروری مستبدانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه منفی و معناداری با پذیرش خود در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد. و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سطح معناداری ۰/۰۰۰ رابطه مثبت و معناداری با پذیرش خود در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراشبند دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یافته های حاصل از نتایج این فرضیه با یافته های تحقیقات گابریل^۱، روسو^۲، پاملا^۳ و گلر^۴ (۲۰۱۹)، رضوان^۵ و دسوزا^۶ (۲۰۱۷)، یوجی^۷، ساکاموتو^۸، اداچی^۹ و کیتامورا^{۱۰} (۲۰۱۴) و حمیدی و انصاری (۱۳۹۵) همسو و سازگار می باشد. در تحقیقات داخلی نیز شیوه های فرزندپروری با بهزیستی روانشناختی رابطه مستقیم و معنی داری داشته است که مطالعات صورت گرفته توسط تقی زاده، الهام و بشارت (۱۳۹۴) با هدف رابطه سبک های فرزند پروری ادراک شده والدین با بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی فرزندان و حمیدی و انصاری (۱۳۹۵) با هدف بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی دانش آموزان وجود چنین ارتباطی را تایید نموده است.

در تبیین و توجیه نتایج این فرضیه می توان بیان کرد که والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه سعی می کنند براساس ارزش ها و معیارهای سنتی و مطلق رفتار فرزند خود را شکل دهند. فرزندان این والدین نمی توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده ای داشته باشند (وبلیمر^{۱۱} و زندن^{۱۲}، ۱۳۹۲). این والدین کمتر به گفتگو با فرزندان خود می پردازند، اگر کودک اطاعت نکند والدین مستبد به فشار و تنبیه متوسل می شوند. بامریند در یافت که کودکان پیش دبستانی دارای والدین مستبد، مضطرب، گوشه گیر و ناخشنود بودند. وقتی با همسالانشان تعامل می کردند، در صورت ناکامی باخصومت واکنش نشان می دادند. مخصوصاً پسرها، با خشم و سرپیچی زیادی واکنش نشان می دادند، دخترها، وابسته و بی عاقله به کند و کاو بودند، و از تکالیف چالش انگیز عقب نشینی میکردند (عقیقی، ۱۳۹۴). در سبک فرزندپروری مستبدانه^{۱۳} والدین سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ دهی را اعمال می کنند. آنها انتظار پیروی فرزندان خود را داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را مجازات می نمایند (مالتایس^{۱۴}، دوچنز^{۱۵}، رتل^{۱۶} و فنگ^{۱۷}، ۲۰۱۵) که این اقدام می تواند منجر به کاهش بهزیستی روانشناختی فرزندان گردد. از سوی دیگر والدین دارای سبک فرزندپروری منطقی یا مقتدرانه، مجموعه فعالیت های فرزند خود را هدایت می کنند، کودکان در این خانواده در بحث هایی که به رفتارشان مربوط می شود، آزادانه شرکت می کنند و حتی ممکن است تصمیم گیری هم بنمایند ولی اقتدار نهایی در دست والدین است (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱). سبک مقتدر مناسب ترین روش فرزندپروری است. در این

-
- ^۱ - Gabrielle
 - ^۲ - Russo
 - ^۳ - Pamela
 - ^۴ - Geller
 - ^۵ - Rezvan
 - ^۶ - D'Souza
 - ^۷ - Uji
 - ^۸ - Sakamoto
 - ^۹ - Adachi
 - ^{۱۰} - Kitamura
 - ^{۱۱} - Veblimre
 - ^{۱۲} - Zenden
 - ^{۱۳} - authoritarian
 - ^{۱۴} - Matias
 - ^{۱۵} - Duchesne
 - ^{۱۶} - Retell
 - ^{۱۷} - Feng



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش، والدین خواست های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست ها را با تعیین محدودیت ها و اصرار بر این که کودک باید از آنها تبعیت کند، به اجرا می گذارند. در عین حال، آنها صمیمیت و محبت نشان می دهند، صبورانه به نقطه نظرهای فرزندشان گوش می دهند، و مشارکت در تصمیم گیری خانوادگی را ترغیب می نمایند. فرزندپروری مقتدرانه، روشی منطقی و دموکراتیک است که طی آن، حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می شود (برک، ۱۳۸۶).

والدینی که در تعامل با کودک، بر بعد محبت تکیه می کنند، دارای نگرش پذیرا هستند. والدین مقتدر- منطقی یا پذیرا، بیشتر به پذیرش رفتار، تشویق، مهربانی، دادن آزادی زیاد و داشتن توقع به میزان توانایی جسمی و روانی خویش گرایش دارند. فرزندان این گونه والدین به موقع از محبت والدین استفاده می کنند، شخصیت آنها در خانه مورد احترام است و جایشان در گروه خانواده مشخص است (برنستین^۱، ۲۰۱۳).

در تبیین دیگری می توان بیان کرد که والدین دارای سبک سهل گیرانه سعی می کنند محیط غیر اجباری برای کودک خود فراهم کنند. در این خانواده ها، تصمیم نهایی در جهت خواسته های کودک یا نوجوان گرفته می شود و فرزند آزاد است به خواسته های والدین بی اعتنا باشد. این شیوه باعث می گردد که کودک تکانشی، نافرمان، سرکش و متوقع و وابسته بار بیاید و عملکرد ضعیفی در مدرسه داشته باشد. والدینی که از سبک سهل گیر یا آسان گیرانه استفاده می کنند، مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند و از هر گونه اعمال کنترل، خودداری می کنند، والدین آسان گیر به فرزندانشان اجازه می دهند در هر سنی که هستند، خودشان تصمیم بگیرند در حالی که، هنوز قادر به انجام این کار نیستند. آنها می توانند در هر وقت که دوست دارند غذا بخورند و بخوابند و هر قدر که می خواهند تلویزیون نگاه کنند. آنها مجبور نیستند طرز رفتار خوب را یاد بگیرند یا کارهای خانه را انجام دهند. بامریند دریافت که فرزندان خانواده های آسان گیر، خیلی ناپخته هستند (کماچانی، ۱۳۹۶).

به طور کلی در تبیین و توجیه نتایج این فرضیه می توان بیان کرد که در خانواده هایی که والدین به روش اقتدار منطقی با فرزندان خود ارتباط دارند، افراد دوستانه به اظهار نظر خود می پردازند و دیگر اعضای خانواده نیز به گفته های آنها گوش فرا می دهند و این احساس خوب گفتن و جلب توجه نمودن، زمینه های عزت نفس را در تکتک افراد خانواده مهیا می کند. در این خانواده ها حقوق همه افراد محترم شمرده میشود. لذا، می توان انتظار داشت که فرزندان برخوردار از سبک مقتدرانه والدین، از بهزیستی روانشناختی بیشتری برخوردار باشند. زمانی که فرزندان حمایت مناسب را از والدین خود دریافت می کنند، می توانند در مواجهه با مسائل، خوشبینانه و هدفمندتر برخورد کنند، همچنین به طور معناداری رشد یافته و از رشد فردی خوبی برخوردار گردند. این فرزندان انعطاف پذیر، خوشبین، پیشرفت گرا و خودتنظیم کننده هستند و سرزندگی و شادایی بیشتری خواهند داشت که این عوامل همگی منجر به افزایش بهزیستی روانشناختی این افراد می گردد.

در خصوص نتایج این فرضیه در ابتدا باید بیان کرد که بهزیستی روانشناختی، مستلزم درک چالشهای وجودی زندگی است. رویکرد بهزیستی روانشناختی، رشد و تحول مشاهده شده در برابر چالشهای وجودی زندگی را بررسی می کند و به شدت بر توسعه انسانی تاکید دارد به عنوان مثال دنبال نمودن اهداف معنادار، تحول و پیشرفت به عنوان یک فرد و برقراری روابط کیفی با دیگران. جمع

^۱ - Brnstein



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گسترده ای از ادبیات تحقیقی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، به تجزیه و تحلیل چالشها و مشکلات اساسی زندگی پرداخته است (ریف^۱ و کیس^۲، ۲۰۰۸).

نظریه پردازان "گستره زندگی"^۳، نظیر اریکسون^۴، (۱۹۵۹) و نوگارتن^۵، (۱۹۷۳)، التزام های دوره های مختلف سنی و راه هایی را که فرد به طور موفقیت آمیز می تواند بر آنها غلبه کند را تبیین کرده اند. روانشناسان علاقمند به رشد و پیشرفت کامل انسان، سازه هایی از قبیل خودشکوفایی، کمال رشد و تفرد را پیشنهاد و ارائه کرده اند. احساس بهزیستی هم، دارای مولفه های عاطفی و هم مولفه های شناختی است. افراد با احساس بهزیستی پایین، حوادث و موقعیت زندگی شان را نامطلوب ارزیابی می کنند و بیشتر هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می کنند (مایرز^۶ و دینر^۷، ۲۰۱۴).

در تبیین دیگری می توان بیان کرد که والدین دارای سبک مستبدانه، تحریک پذیر، انعطاف ناپذیر، و خشن بوده، نسبت به نیازهای کودک بی توجهند. کودکان متعلق به این نوع تعامل، از عشق و احترام کافی والدین برخوردار نیستند. از این رو، نیاز کودک به محبت و امنیت مورد تهدید قرار گرفته و منجر به احساس بی پناهی و تنهایی در او می شود. این رفتار والدین می تواند در اشکال مختلف متجلی گردد؛ از جمله: بی توجهی و بی اعتنایی به کودک، جدایی از او، نفی او، تهدید و تنبیه کودک، تحقیر او در حضور دیگران و مقایسه نا عادلانه با سایر کودکان (هدایتی، فاتحی زاده، آکوچکیان، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۹۱). این اقدامات در نهایت منجر به کاهش علائم بهزیستی روانشناختی فرزندان از جمله استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود می گردد.

از این رو در تبیین و توجیه دیگری از یافته های این فرضیه می توان بیان کرد که سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با سبک آسان گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان می دهند، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند، حتی اگر امروز قادر به انجام دادن این کار نباشند. همچنین والدین مقتدر واقعیتها و بینش های شناختی را به کودکان منتقل میکنند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودکان و یا رد آن از خود نشان میدهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می جویند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می کنند (گارزا^۸، واتز^۹ و کینسورثی^{۱۰}، ۲۰۰۷).

^۱ - Ryff

^۲ - Keyes

^۳ - Life-span

^۴ - Erricson

^۵ - Neugarten

^۶ - Myeris

^۷ - Diener

^۸ - Garza

^۹ - Watts

^{۱۰} - Kinsworthy



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به طور کلی می توان گفت که اگر والدین نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان را با اقتدار (پذیرش و محدودیت با احترام) برآورده کنند، آنان دنیای پیرامون خود را با ارزش می بینند و حس تعهد در آنها شکل می گیرد؛ اگر به آنها امکان ابراز وجود دهند و فرزندان احساس کنند که در حل مسائل قابلیت و شایستگی کافی و بر محیط خود تسلط کافی دارند، حس کنترل در آنها به وجود می آید و در نهایت وقتی والدین به فرزندان بیاموزند که تجربه های متنوع در زندگی با ارزش اند، حس چالش طلبی در آنها بروز می کند. محققان دریافته اند که شیوه فرزند پروری مستبدانه به طور کلی سبب کاهش سازگاری و به طور خاص موجب ایجاد مشکلات رفتاری برون سازی در کودکان می شود. والدین مستبد با این روش تربیتی خود باعث کاهش کرامت و عزت نفس در فرزندان خویش می شوند، همینطور گلید و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی نشان دادند که فرزندان والدین مستبد که اجازه نمی دهند فرزندانشان فرصت یادگیری و مواجهه موفق با چالش ها را در اختیار داشته باشند، خود تنظیمی و کنترل رفتار ضعیفی از خود نشان می دهند. از پیامد های این سبک فرزند پروری، می توان به نوعی احساس حقارت در فرزندان و تضعیف عزت نفس آنها اشاره کرد. در وضعیتی که به احساسها، عقیده ها و تمایل فرد توجه نشود و همواره با زور و فشار قدرتی مافوق خود به پذیرش امری مجبور شوند، حس اعتماد به نفس در فرزندان تضعیف می شود و نوعی احساس بیهودگی و ناکارآمدی به آنها دست می دهد. خود کم بینی، وابستگی و اطاعت کور کورانه نیز می تواند از پیامد های اجبار و تحمیل باشد. انسانی که پیوسته تحت فشار قرار گیرد و جرأت اجازه انتخاب و تصمیم گیری نداشته باشد، نشاط و شادابی خود را از دست می دهد و به انسانی سر شکسته تبدیل می شود.

با توجه به نتایج شیوه ی سهل گیرانه به خاطر فرصت خودگردانی بیشتر برای فرزندان و همچنین محبت بیشتر والدین به آن ها به جای برخوردهای خشن و تنبیه کننده در مقایسه با شیوه ی فرزندپروری مستبدانه وضعیت مطلوب تری از نظر توانایی حل مشکلات برای فرزندان رقم زده است. همچنین تحقیقات نشان می دهد، استفاده از روش های انضباطی دارای کنترل کم و پذیرش بالا با درونی کردن معیارهای اخلاقی بویژه در افراد ۱۸ و ۱۹ ساله رابطه ی مثبت داشته و به هنگام حل تعارض های بین والدین و نوجوانان استفاده از کنترل پایین در مقایسه با کنترل بالا کمتر باعث کاربرد شیوه های خشونت آمیز و مخرب می شود. والدین سهل گیر، هیچ گونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاوی خود کنترلی را در هر گروهی از خود نشان می دهند و در کنترل تکانه و تشخیص ارزش ها از ضد ارزش ها مشکل دارند. این نتایج نشان می دهد هرچند که سبک تربیتی سهل گیرانه با احساس ناتوانی نوجوانان در حل مشکلات رابطه مثبت دارد، اما میزان آسیب آن به نوجوانان کمتر از سبک تربیتی مستبد است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

پیشنهاد می‌گردد که با برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و پکیج‌های آموزشی جهت راهنمایی والدین، اهمیت، ضرورت و مزایا و معایب هریک از سبک‌های فرزندپروری برای والدین دانش‌آموزان تبیین و توضیح داده شود، تا خانواده‌ها در بکارگیری سبک‌های فرزندپروری، میزان و حد مجاز این سبک‌های فرزندپروری را برای تربیت فرزندانشان در نظر بگیرند.

پیشنهاد می‌گردد که والدین در تربیت فرزندان خود از اعمال سبک فرزندپروری مستبدانه پرهیز نمایند زیرا که این سبک فرزندپروری به مرور زمان باعث کاهش استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود دانش‌آموزان می‌گردد. پیشنهاد می‌گردد که بجای سبک فرزندپروری مستبدانه از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده شود.

محدودیت‌های پژوهش

۱. اولین محدودیت این پژوهش، عدم تعمیم پذیری نتایج این تحقیق به دیگر جوامع می‌باشد زیرا که این تحقیق بر روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراسیند شهرستان فراسیند انجام شده است.
۲. رابطه متغیرهای مزاحم از جمله شرایط خانوادگی و اجتماعی پاسخگویان بر متغیرهای پژوهش دومین محدودیت این پژوهش می‌باشد.

پیشنهادهای پژوهش

۱. بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با آشفستگی‌های روانشناختی و خوکارآمدی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراسیند
۲. بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سرسختی روانشناختی و عزت نفس در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراسیند
۳. بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سلامت روانی و امید به زندگی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان فراسیندمنابع

منابع

- اشکانی، فرح، حیدری، حسن. (۱۳۹۳). تاثیر آموزش تنظیم هیجانی بر بهزیستی روان‌شناختی و سبک‌های اسنادی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری مقطع دبستان. ناتوانی‌های یادگیری، ۴(۱)، ۶-۲۲.
- اصغری، فرهاد، تاروردی زاده، شهین، سعادت، سجاد. (۱۳۹۴). رابطه بین الگوهای‌های فرزند پروری و سبک‌های دلبستگی با بهزیستی روانشناختی در دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور تالش. بیهق، ۱۹(۳)، ۵۷-۶۷.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اکبری شلدردی، فریدون و قاسم پور مقدم، حسین و علیزاده، فاطمه صغری، (۱۳۹۰)، روش های نوین یاددهی-یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش، تهران: انتشارات فرتاب.

امامقلی زاده، نرگس، ۱۳۹۵، روان شناسی معنوی، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.

امینی، محمد و تمنایی فر، محمد رضا و امینی، سمیه (۱۳۸۸)، نظریه هوش چندگانه و دلالت های آن در طراحی تجارب و فرصت های یادگیری، نشریه اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۵، شماره ۴، صص ۹۱-۱۰۷.

آزادی، شهذخت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با کمرویی دختران شهرستان نورآباد سال تحصیلی ۸۲-۸۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه الزهراء.

بدری گوگری، رحیم و میرنسب، میرمحمد و ناجی بیرق، صمد و علمردانی صومعه، سجاد، ۱۳۹۹، بررسی رابطه امیدواری و سبک های اسنادی با بهزیستی روان شناختی، ششمین همایش بین المللی روان شناسی مدرسه، تهران.

بروس، جویس و مارشا ویل و امیلی کاهلون (۱۳۸۵)، الگوهای تدریس ۲۰۰۴، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران، انتشارات کمال تربیت، چاپ دوم.

برهمند، اوشا (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین مزاج، سبک فرزندپروری و مشکلات رفتاری میان کودکان پیش دبستانی در شهر تبریز، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی

تقی زاده، اکرم؛ الهام، اقدس؛ و بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۴). رابطه سبک های فرزند پروری ادراک شده والدین با بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی فرزندان. همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چابهار، ایران.

جهانشاهی، ناهید، ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی رابطه بین سبک تفکر با سن، جنسیت، رشته تحصیلی و میزان تحصیلات و شیوه های فرزند پروری والدین معلمان مقاطع سه گانه ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی دوره ی چهارم، شماره ۲، پاییز ۸۶.

حسینی، م.، شهودی، م.، و میرقاسمی، س. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هوش اخلاقی، خودکارآمدی و بهزیستی روانشناختی در میان فرزندان شهید، جانباز و ایثارگر دانشگاه ارومیه. فصلنامه اخلاق زیست؛ ۶(۱۹)، ۱۸۰-۱۵۵.

حسینی نسب، علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش آموزان، مطالعات تربیتی و روان شناسی، سال دوم، شماره ۳۷، ۲-۷.

. انتشارات سمت

رحمانی، فرناز. (۱۳۸۷). ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری دانش آموزان، مقاله پژوهشی، مهر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رضایی، محمد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش آموزان مدارس راهنمایی منطقه ۶ تهران در سال تحصیلی ۷۶-۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

رضایی، خدادخواه. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی سبک های تفکر و عملکرد مدیران مدارس متوسطه . شهر شیراز . پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز.

سروقد، اکرم، رضایی، عبدالله و معصومی، احمد. (۱۳۸۹). پیش بینی خلاقیت از سبک های تفکر در دانشجویان ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران.

صادق خانی، اسدالله. (۱۳۹۱). مقایسه شیوه های فرزند پروری مادران دانش آموز پسر ۷ تا ۹ سال دوره ی ابتدایی با اختلال یادگیری، فصلنامه افراد استثنایی ، سال سوم ، شماره ۶ ، ۲۳-۱۲.

صدری، سید جلال . (۱۳۹۲). مقایسه شیوه‌های فرزند پروری و کارکرد خانواده در خانواده‌های بدسرپرست دارای اختلالات رفتاری و عادی، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره ۷، شماره ۲.

طباطبایی سید علی، فضلی رخساره، یارعلی جواد (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش. ۱۳۹۲؛ ۱۰ (۱): ۲۲-۷.

علیمردانی، محمد جواد ؛ رحمانی، فریبا (۱۴۰۰)، بررسی رابطه سبک های فرزند پروری والدین و رفتارهای روانی-اجتماعی نوجوانان، مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۵۷ (۱)، ۴۵۹-۴۴۹.

غلام نیا، نادر (۱۳۸۵)، رابطه بین انگیزش و یادگیری در دانش آموزان ، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۶۹۵ به تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۵، ص ۱۰.

فرضی ، مرجان. (۱۳۹۱). مقایسه شیوه‌های فرزند پروری مادران کودکان دارای اختلال های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی با مادران کودکان عادی، مقاله پژوهشی در حیطه کودکان استثنایی، شماره ۳ و ۴.

فطین حور، شهاب. (۱۳۹۱). بررسی رابطه اختلالات رفتاری با شیوه‌های فرزند پروری مادران در بین دانش آموزان پسر کلاسهای چهارم و پنجم ابتدائی شهر اردبیل در سال تحصیلی ۷۴-۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم.

قدرتی سیما، وزیری نکو رقیه. اثربخشی فعالسازی رفتاری بر بهزیستی روانشناختی و انعطاف پذیری روانشناختی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران. مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۷؛ ۳۶ (۴): ۲۳۳-۲۴۰.

قدیری راد، محبوبه. (۱۳۹۴). پیش بینی کمال گرایی والدین و سبک های والدگری با بهزیستی روانشناختی دانش آموزان دوره متوسطه شهر شیراز. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد مرودشت، ایران.

لطف عطا، آیناز (۱۳۸۷)، تاثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط های آموزشی (ابتدایی) در شهر ارومیه، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۱، صص ۹۰-۷۳.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

لیل آبادی، لیدا. (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و شیوه‌های فرزندپروری مادران عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدائی، فصلنامه رهیافتی نو در روانشناسی، سال دوم، شماره ۳، ۲۶-۱۵.

محرابی، شهریان. (۱۳۸۹). مقایسه میزان اختلالات روانی دختران نوجوان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری والدین در دبیرستان های شهرستان جیرفت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه.

محمدی، محمد و حاجی علیزاده، عرفان. (۱۳۸۷). بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی، مسند مهارگذاری با موفقیت تحصیلی، مجله روانشناسی شماره ۳۱، ص ۴۴-۴۷.

محمودی، هیوا، سلیمانی اسماعیل. پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی براساس همدلی و خود-دلسوزی در پرستاران. فصلنامه مدیریت پرستاری. ۱۳۹۶؛ ۶ (۳ و ۴): ۷۸-۸۷.

مدرسه، دوره ۲، شماره ۴، صص ۴۲-۲۵.

مقتدری، م. و صفاری نیا، م.، و زارع، ح.، و علی پور، ا.، و چیت ساز، ا. (۱۳۹۸). اثربخشی درمان ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی و بهزیستی روانشناختی بیماران پارکینسون. مجله علوم روانشناختی، ۱۸ (۸۳)، ۲۲۱۳-۲۲۲۱.

منصور، محمود. (۱۳۹۵). روان شناسی ژنتیک، جلد اول. انتشارات رشد

مهر محمدی، محمود (۱۳۸۱)، برنامه درسی (نظریه‌ها، رویکردها، چشم اندازها)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

مهرافروز، حجت الله. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری مادر (اقتدار، منطقی، استبدادی، آزادگذاری)، مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر پایه چهارم ابتدائی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

میر، حامد. (۱۳۹۴). مقایسه سبک های فرزند پروری و بهزیستی روانشناختی در والدین کودکان مرزی و عادی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی آزاد، تهران، ایران.

میکائیلی منیع، فرزانه. (۱۳۹۲). مقایسه بهزیستی روان شناختی مادران دانش آموزان دبستانی دارای کم توان ذهنی وعادی، فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ۹۲: ۸۸.

ناطقیان، سارا (۱۳۸۷) پبیینی خلاقیت از سبک های تفکر در دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان ۱۰-

نوری، ناصر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه دوم و سوم مقطع ابتدایی شهر کامیاران. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران، ایران.

وحیدی، زهره، جعفری هرندی، رضا. (۱۳۹۶). پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی براساس مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی و مؤلفه‌های نگرش معنوی. پژوهش نامه روانشناسی مثبت، ۳(۲)، ۵۱-۶۴.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، شیوه نامه طرح: کلاس های موضوعی، وب سایت وزارت آموزش و پرورش، www.medu.ir.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، هوشمند سازی مدارس راهبرد تحولی وزارت آموزش و پرورش در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، وب سایت وزارت آموزش و پرورش، www.medu.ir.

هنرمندزاده، ریحانه، سجادیان، ایلناز. (۱۳۹۵). اثر بخشی مداخله مثبت‌نگر گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی، تاب‌آوری و شادکامی دختران نوجوان بی‌سرپرست. پژوهش نامه روانشناسی مثبت، ۲(۲)، ۳۵-۵۰.

هیبتی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی رابطه بین سبک های فرزند پروری و رویکردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تازه های علوم شناختی، سال ۸، شماره ۲، ۴۴-۵۲.

هیبتی، علیرضا. (۱۳۸۱). بررسی تطبیقی رابطه بین سبک های فرزند پروری و رویکردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تازه های علوم شناختی، سال ۸، شماره ۲، ۴۴-۵۲.

یکتاپرست، مدینه، اسعدی، سمانه، رحیمی، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی تغییرات در سبکهای فرزندپروری ادراک شده در طول چهار نسل متوالی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۵(۵۱)، ۷۰-۵۵.

یوسفی، آیت الله. (۱۳۸۹). رابطه شیوه‌های فرزند پروری با مهارتهای اجتماعی در دانش آموزان ابتدائی شهر اسفراین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

Anagold A, Costello E, Erkanli A. (۲۰۱۳). Comorbidity. *J Child Psychol Psychiatry*; ۴۰: ۵۷-۹۷

Babapour JK, RasoulzadehTabatabai SK, Ejei J, Fathi Ashtiani A. Investigating the Relationship between Problem Solving Methods and Psychological Health Students. *J Psychol* ۲۰۰۱; ۷(۱):۳-۱۶

Barbara M, Richard R, Julie M, Robert G, Haward M. (۲۰۱۴). Conduct disorder and oppositional defiant disorder in national sample: Developmental epidemiology. *J Child Psychol Psychiatry*; ۴۵: ۶۰۹-۲۱

Baumrind, D. (۲۰۰۲). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R.M.Lerner, & A. C. ۲:۱-۲۶.

Bedell, J. R. & Lennox, S. S. (۲۰۱۲). Hand book for Communication and Problem Solving Skills Training. Publication series of the department of psychiatry

Blanksteing, K. R. Flett, G. L. & Watson, M. S. (۲۰۱۳). Coping & academic problem solving ability in test anxiety. *Journal of clinical psychology*. Vol, ۴۸. ۳۷-۴۳



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Bradly SJ.(۲۰۱۳). Affect regulation and the development of psychology. New York: Guildford:: ۳۶۱-۹۱.

Burton, J.(۲۰۰۳). thinking styles and Accessing information on the World wide web, bangor, university college of North wales , Avaialable.

Cassidy ,K & Long B. (۱۹۹۶). Gifts Differing: Understanding Personality type. Palo Alto: Davis-Black Publishing.

Cassidy T, Long C. Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure. J Br Clin Psychol ۱۹۹۶; ۳۵(۲): ۲۶۵-۷۷.

Ryff, C, D ., Keyes, C. L. M Shmotkin, D. (۲۰۰۸) Optimal well – Being : Empirical Encounter of Two tradition " .Journal of Personality and Social psychology ۱۴vol (۶), ۱۰۰۷ – ۱۰۲۲

Sagir, S. U. (۲۰۱۱), Research on problem solving skills of teacher candidate, E-Journal of New World Science Academy, ۶, PP:۲۴۸۲-۲۴۹۴.

Sternberg, R. J(۲۰۰۲). Mental self Government: A Theory of Intellectual styles and their development, human development, ۳۱, ۱۹۷ – ۲۲۴. ۲۱-

Sternberg, R. J.(۲۰۰۵). Mental self Government: A Theory of Intellectual styles and their development, human development .

Stucky, J.C.(۲۰۱۱).Blessed Assurance: journal of aging studies. Vol.(۱۵).۶۹-۸۴

Tornare, Elise & Czajkowski, Nikolai & Pons, Francisco. (۲۰۱۵). Children's emotions in math problem solving situations: Contributions of self-concept, metacognitive experiences, and performance. Learning and Instruction. ۳۹. ۱۰.۱۰۱۶/j.learninstruc.۲۰۱۵.۰۵.۰۱۱.

Uji, M., Sakamoto, A., Adachi, K., & Kitamura, T. (۲۰۱۴). The impact of authoritative, authoritarian, and permissive parenting styles on children's later mental health in Japan: Focusing on parent and child gender. Journal of Child and Family Studies, ۲۳(۲), ۲۹۳-۳۰۲.

Uslua, Mustafa & Çagla, Girgina(۲۰۱۰). The effects of residential conditions on the problem solving skills of university students, Procedia Social and Behavioral Sciences, ۲ , PP:۳۰۳۱-۳۰۳۵.

Verme, H.J.(۲۰۱۲). *A three facet model of creativity*. Cambridge: Cambridge University Press.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Ülkü, T.(۲۰۱۴). Analysis of the Relationship between the Resiliency Level and Problem Solving Skills of University Students, Procedia - Social and Behavioral Sciences, ۱۱۴, PP: ۶۷۳ – ۶۸۰ .

Zhang ,I. (۲۰۱۴) Revisiting the predictive power of thinking styles for Academic performance . The Journal of psychology Interdisciplinary and Applied . ۱۳۲ , ۴ July ۲۰۰۴